

بازتولید اندیشه اخباری‌گری در عصر انقلاب اسلامی (چالش‌ها و تهدیدها)

داود فیض‌افرا*

حسین ارجینی**

چکیده

در عصر غیبت، شیعیان در منابع و روش استنباط احکام به دو دسته اخباری و اصولی تقسیم شدند. مکتب اخباری، حدود دو قرن به عنوان اندیشه مسلط مطرح بود تا اینکه گسترش اندیشه آیت‌الله بهبهانی و شاگردانش موجب افول اندیشه اخباریان گردید. با پیروزی اصولیان و به تبع آن قدرت‌یافتن اجتهاد، زمینه ورود علما به سیاست فراهم شد؛ پیروزی انقلاب اسلامی یکی از جلوه‌های این اندیشه محسوب می‌گردد. در این عصر، شواهدی متغایر با اندیشه اصولی مشاهده می‌شود. براین اساس مسئله تحقیق پیش‌رو، بررسی میزان ارتباط شواهد و رفتارهای موجود در اندیشه اخباری‌گری در دوران انقلاب اسلامی است. فرضیه این تحقیق بر ارتباط شواهد موجود بر اخباری‌گری مبتنی است. گسترش رویکرد ظاهرنگری به قرآن کریم، سطحی‌نگری، گسترش استناد به خواب و رؤیا، تقابل با علوم عقلی و فعالیت مکتب تفکیک و انجمن حجتیه از شواهد بازتولید اندیشه اخباری‌گری محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی

اخباری‌گری، نواخباریان، مکتب اجتهاد اصولی، انقلاب اسلامی.

feizafra@chmail.ir

arjini@maaref.ac.ir

تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۷/۲۶

*. دانش‌آموخته دکتری دانشگاه معارف اسلامی گرایش انقلاب اسلامی.

** استادیار دانشگاه معارف اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۲۰

طرح مسئله

یکی از رویکردهایی که در سال‌های اخیر شاهد گسترش آن در سطح جامعه هستیم. بازتولید نگرش و ویژگی‌های اخباری‌گری در سطح جامعه است. چپستی این مسئله و نیز چرایی و چگونگی بازتولید این نگرش، مسائل اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

مسئله‌ای که محقق به دنبال آن است، بررسی میزان ارتباط شواهد موجود در فضای دینی با اندیشه اخباری‌گری است. بنابراین سؤال اصلی این است که آیا اندیشه اخباری‌گری در این عصر در حال بازتولید است؟ بررسی این مسئله از آن جهت ضروری است که فرایند گذار از روش اخباری‌گری به اندیشه اصولی و اجتهادی و استفاده از عقلانیت شیعی از مهم‌ترین علل نقش‌آفرینی عالمان دین در عرصه سیاست بوده است. امری که با شکست مکتب اخباری و پیروزی مکتب اصولی در فقه امامیه، نتایج اجتماعی و سیاسی خاصی را در جهان تشیع پدید آورد که مهم‌ترین آن، تحول نظام محدث و مستمع به اجتهاد و تقلید بود. احیای اجتهاد و تقلید و اهمیت یافتن عقل در استنباط احکام شرعی در فقه امامیه برخلاف گذشته، جایگاه سیاسی عالم دینی را به نحو گسترده برای فقیه به ارمغان آورد. پیامد این گسترده‌گی، ارتقا جایگاه اجتهاد و تقلید به نظام امامت - امت در سطح اجتماع بوده که در قالب اصل ولایت فقیه تجلی یافت و براساس آن، انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی شکل گرفت.

بنابراین بازتولید اندیشه اخباری‌گری می‌تواند اساس گفتمان انقلاب اسلامی را با چالش و تهدید جدی مواجه سازد. در بررسی میزان تهدید بازتولید اندیشه اخباری‌گری بر گفتمان انقلاب اسلامی می‌توان از روش تحلیل گفتمان با قرائت لاکلا و موف بهره برد. براساس این روش، هر گفتمانی از دال مرکزی، دال پیرامونی، هژمونی، قدرت و طرد همراه است. دال مرکزی در این گفتمان به‌مثابه عمود خیمه است (خلجی، ۱۳۸۶: ۳۸) که با تهدید آن، اساس گفتمان مورد چالش قرار می‌گیرد. (ر. ک: تاجیک، ۱۳۸۳)

اسلام ناب محمدی ﷺ، دال مرکزی در گفتمان انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهد. (سعید، ۱۳۷۹: ۱۴۷) مهم‌ترین ویژگی اسلام ناب، عینیت دین و سیاست است که نتیجه رویکرد حداکثری به فقه است، در این گفتمان، استقلال، آزادی، مردم‌سالاری دینی، عدالت و استکبارستیزی دال‌های پیرامونی آن را تشکیل می‌دهند (ر. ک: حسینی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۵۳ - ۱۰) که این مفاهیم براساس دال مرکزی مفهوم‌گیری می‌شوند. بازتولید اخباری‌گری به‌عنوان یک خرده‌گفتمان و از طریق منحصر کردن منابع استنباط به روایات و مخالفت با عقل و ترویج «فقه حداقلی» می‌تواند دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی را مورد تهدید و چالش جدی قرار دهد که باتوجه به اهمیت دال مرکزی، کل گفتمان انقلاب اسلامی مورد تهدید قرار می‌گیرد.

فرضیه پژوهش این است که اندیشه اخباری‌گری در دوران پس از انقلاب اسلامی، به دو صورت

کلی و در قالب جریان و مکتب فکری در حال بازتولید است، بنابراین میان این شواهد و اندیشه اخباری به‌گونه‌ای ارتباط وجود دارد که می‌توان این شواهد را مبتنی بر امتداد اندیشه اخباری‌گری قلمداد کرد. از این‌رو بررسی و اثبات بازتولید اندیشه اخباری علاوه بر دارا بودن جنبه هشدار و پیشگیری، با تبیین شیوه بازتولید می‌تواند به شناخت و معرفی پیامدهای آن و راهکارهای مواجهه و مقابله با این جریان و در نهایت به تداوم هژومونی گفتمان انقلاب اسلامی یاری رساند. در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای برای بررسی شواهد بازتولید اندیشه اخباری‌گری استفاده شده است.

پیشینه تحقیق

کتاب *اخباری‌گری، تاریخ و نقد*، نوشته ابراهیم بهشتی، به بررسی تاریخ پیدایش اندیشه اخباریان و نیز بررسی و نقد اندیشه اخباری‌گری پرداخته و به بازتولید این اندیشه در عصر کنونی اشاره‌ای نکرده است. کتاب *نقد نگرش‌های حداقلی به دین*، اثر سجاد ایزدهی، مبانی و شاخص‌های فقه سیاسی حداکثری، عوامل رویکرد حداقلی به فقه سیاسی را بیان کرده. اگرچه این کتاب به بررسی کوتاهی از جریان اخباری‌گری و مکتب تفکیک می‌پردازد اما به بازتولید اندیشه اخباری و شواهد آن توجه جدی ننموده و همچنین دلایل متقن و محکمی برای اثبات اخباری بودن مکتب تفکیک ارائه نداده است. کتاب جایگاه عالم سیاسی در دو اندیشه اصولی و اخباری نیز صرفاً جایگاه سیاسی عالم دینی در این دو مکتب را بررسی کرده است. کتاب *جریان‌های فکری در حوزه معاصر قم*، سید محسن طباطبایی‌فر، فقط به جریان‌شناسی و معرفی کوتاه از مکتب تفکیک و نوتفکیکیان پرداخته است. مقاله‌هایی نظیر: *هجوم تازه اخباری‌گری نوین: محسن الویری*، *امتداد اخباری‌گری: سید عباس صالحی و پیدایش، سیرتطور و امتداد اخباری‌گری: قاسم فائز*، با بیانی سریع و گذرا از شواهد و آثار اخباری‌گری نوین، ضمن عدم بیان تمامی شواهد به جریان‌های متأثر از اندیشه اخباریان اشاره نکرده‌اند.

مفهوم‌شناسی

اخباری‌گری: منظور از اخباریه فرقه‌ای از علمای امامیه است که اخبار اهل بیت علیهم‌السلام را مهم‌ترین مأخذ در عقاید - حتی در اصول دین، اخلاق و احکام شرعی - می‌دانند و به روش‌های اجتهادی و رجالی به‌ویژه آنچه مبنایی جز عقل نداشته باشد به دیدگاه انتقاد می‌نگرند. (بهشتی، ۱۳۹۰: ۳۱)

اصولیان: به جریانی اطلاق می‌شود که از چهار منبع: قرآن کریم، روایات، عقل و اجماع جهت استنباط احکام شرعی استفاده می‌کنند. روش مکتب اصولی برای دستیابی به احکام دینی «اجتهاد» است.

گفتمان انقلاب اسلامی: اسلام ناب محمدی (ص) دال مرکزی این گفتمان را تشکیل می‌دهد. اسلام ناب، اسلامی است به سه ویژگی:

۱. اعتقاد به ارتباط دین و سیاست؛

۲. نفی تحجر و جمود فکری؛

۳. نفی اسلام التقاطی.

گفتمان انقلاب اسلامی محصول نگرش «اجتهاد اصولی» است؛ زیرا اولاً برقراری رابطه دین و سیاست و به دنبال آن زمینه حضور علمای دینی در مسائل سیاسی به واسطه این نگرش ایجاد شد؛ ثانیاً اصل ولایت فقیه از مبحث اجتهاد اقتباس شد؛ ثالثاً این گفتمان با رهبری یک عالم اصولی با پیروزی انقلاب اسلامی به گفتمان مسلط تبدیل شد. بنابراین نگرش «اجتهاد اصولی» شالوده و مبنای گفتمان انقلاب اسلامی محسوب می‌شود.

یک. مؤلفه‌های اندیشه اخباری

جهت بررسی میزان مشابهت شواهد موجود با اندیشه اخباری، ضروری است ابتدا مهم‌ترین مؤلفه‌های فکری آنان بیان گردد:

۱. عدم حجیت ظواهر قرآن برای عموم مردم

درحالی که در طول تاریخ، شاهد استناد مذاهب مختلف شیعه به قرآن هستیم اما جریان اخباری با استناد به دلیلی بی پایه ظاهر قرآن را رد می‌کند. آنان قرآن کریم را به عنوان منابع و ادله احکام می‌پذیرند اما مخاطب قرآن را اهل ذکر یعنی ائمه اطهار (ع) قلمداد می‌کنند و معتقدند استنباط احکام نظری از قرآن جز برای مخاطبین واقعی آن امکان پذیر نیست.

عمده‌ترین دلیلی که ملامحمدامین استرآبادی برای عدم حجیت ظواهر قرآن ذکر می‌کند این است که قرآن دارای آیات ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه است و نیز با قرآینی است که تفسیر آیات بدون آن قرآین امکان ندارد. از نظر وی علم به ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه قرآن و سایر قرآین آن تنها در اختیار ائمه معصومین است، بنابراین در تفسیر قرآن باید به احادیث ائمه رجوع نمود. (استرآبادی، ۱۴۲۴: ۹۴)

۲. حجیت احادیث امامان معصوم (ع)

از دیگر ویژگی‌ها و مؤلفه‌های اصلی جریان اخباری‌گری، حجیت احادیث به صورت مطلق در نزد آنان است. شاخصه‌ای که به نوعی علت نام‌گذاری این جریان فکری را نیز رقم زده است. اخباریان معتقدند تمامی آنچه انسان‌ها برای هدایت نیاز داشته‌اند در قالب احادیث بیان شده است. همچنین اغلب آنها

معتقدند احادیث و اخبار روایت شده از ائمه اطهار علیهم‌السلام که در کتب معتبر به‌ویژه کتب چهارگانه موجود است به‌صورت کامل، صحیح و معتبر و قطعاً از ائمه اطهار علیهم‌السلام صادر گردیده و قطعی‌الصدوراند. اخباریان در روش به‌کارگیری احادیث، صرفاً به ظاهر آن عمل می‌کنند؛ وجود فتواهای فراوان در این خصوص مؤید این مطلب است. (اسفندیاری، ۱۳۸۸: ۹۰) استرآبادی به صحت جمیع احادیث کتب اربعه در نزد امامیه و اصولاً صحت غالب احادیث امامی معتقد است و در *فوائد المدنیه* دوازده وجه را برای اثبات این ادعا ذکر کرده است. (استرآبادی، ۱۴۲۴: ۲۹۶ - ۲۷۲)

۳. اجماع

دیدگاه اخباریان به اجماع بسیار متفاوت از نگاه اصولیون به آن است، استرآبادی اجماع را معلوم‌البطلان دانسته (همان: ۱۳۴) حتی برخی از آنها بر این اعتقاد استوارند که حجیت اجماع در اندیشه علمای اهل تسنن شکل گرفته است. (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۳۶۵: ۹)

۴. عقل

از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین محورهای اختلاف در اندیشه اصولیون و اخباریون، موضوع حجیت و عدم حجیت عقل در استنباط احکام شرعی است که پیامدهای مختلفی را به دنبال دارد. محور مشترک اعتقادی اخباریان در این زمینه، عدم توانایی عقل در استنباط احکام شرعی است. (یوسفیان، ۱۳۸۳: ۱۸۶) زیرا در نظر آنان نتیجه به‌کارگیری عقل و استدلال‌های عقلانی چیزی جز وهم و خیال و پندار نیست. این جریان در نكوهش عقل این‌گونه می‌نویسد:

هیچیک از روایاتی که درباره عقل وارد شده است به تنهایی دلالتی بر حجیت آن در هیچیک از احکام شرعی ندارد. (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۳: ۳۵۴)

۵. مخالفت با اجتهاد

شاخصه دیگر اندیشه اخباری، مخالفت شدید با روش اجتهاد در استنباط احکام شرعی است. در این راستا حتی آقای استرآبادی حکم به تحریم اجتهاد می‌کند؛ از نظر وی، قدمای اصحاب همچنان که در کتبشان ذکر کرده‌اند اجتهاد و تقلید را حرام و رجوع و تمسک به روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام را واجب می‌دانستند. (استرآبادی، ۱۴۲۴: ۴۰)

دو. نقد و بررسی منابع استنباط احکام در اندیشه اخباری‌گری

اگرچه هدف این مقاله، نقد و بررسی مبانی فکری اخباریان نیست اما باید اذعان داشت که چنین تفکری چند اشکال عمده دارد:

الف) حذف قرآن: قرآن که اساسی‌ترین منبع معرفتی آموزه‌های دینی است، مهم‌ترین و خطرناک‌ترین شیوه در تفکر اخباری‌گری است؛ چراکه به سبب این تفکر، قرآن کریم دچار مهجوریت می‌گردد. بسیاری از آیات قرآن، عامه مردم را به تفکر و تدبر در آیات خویش دعوت می‌کند. روایات عرضه احادیث با قرآن نیز این رویکرد را نفی می‌کند.

ب) نفی عقل: یکی از منابع معرفت یا راه دستیابی به مراد آیات و روایات است. به نظر می‌رسد اخباریان با استناد به روایت نفی قیاس، در پی آن بودند که نقش عقل را حذف کنند ولی این روایات درصدد نفی روش نادرست استفاده از عقل در احکام شرعی هستند. همچنین وجود خطا در ادراکات عقلی، دلیل کنار نهادن عقل نمی‌شود؛ همانطور که در شناخت‌های حسی نیز خطا رخ می‌دهد این در حالی است که اخباریان شناخت حسی را پذیرفته و ابزار حس را کاشف از واقع می‌دانند.

ج) نفی تقلید: تقلید روشی عاقلانه و برگرفته از سیره عقلا و به معنای مراجعه غیر متخصص به متخصص است. این شیوه با سیره عقلا سازگار است و اگر اصل مراجعه غیر عالم به عالم نفی شود، این معنا جلوه‌گر می‌شود که تمامی مردم باید با مراجعه به اصول عملی، نیاز شرعی خود را برآورند، امری که هیچ‌گاه اتفاق نیفتاده است و به صورت عادی نیز امکان‌پذیر نیست.

همچنین درباره اتکا به هرگونه اجماعی باید گفت در نزد مجتهدان شیعی، اجماع در صورتی حجت است که کاشف از رأی معصوم علیه السلام باشد و الا نفس اجماع حجت نیست.

شواهد بازتولید اندیشه اخباری‌گری

اگرچه اندیشه اخباری با ظهور وحید بهبهانی رو به افول نهاد ولی همان‌گونه که گفتیم‌ها و اندیشه‌ها هیچ‌گاه از بین نمی‌روند این اندیشه نیز به‌طور کامل منحل نشد. این مکتب فکری که در حوزه‌های دینی شیعه ریشه کرده بود به صورت نامحسوس به حیات خود ادامه داده و در عصر انقلاب اسلامی در حال بازتولید خود به شکل نوین است. علل حیات اندیشه اخباری‌گری در طول تاریخ را می‌توان این‌گونه برشمرد کرد:

۱. در غیریت‌سازی یک گفتمان، خصومت و طرد هر اندازه شدید باشد، نمی‌تواند به حذف کامل گفتمان رقیب منجر شود؛ بلکه همواره امکان بازگشت اندیشه طرد شده وجود دارد. بنابراین می‌توان ادعا کرد از ویژگی‌های یک اندیشه این است که هیچ‌گاه به‌طور کامل منحل نشده و همواره افرادی در جامعه پیرو آن خواهند بود، اگرچه به صورت خزیده و بسیار آرام به حیات خویش ادامه دهد.

۲. اندیشه اخباری‌گری حدود دویست سال اندیشه مسلط یا غالب بر جامعه حوزوی بوده است؛ پیامد این تسلط فکری، تربیت ده‌ها نسل علمی متوالی در حوزه‌های علمیه و ورود و رسوخ در فرهنگ دینی است که عوامل فوق زمینه حیات این اندیشه را در سالیان متمادی فراهم نمود.

۳. در این دوران آثاری به نگارش درآمد که به بازتولید اندیشه اخباری‌گری منجر گردید: الف) منابع حدیثی براساس مکانیسم فکری اخباری‌گری جمع‌آوری شده است؛ به عبارت دیگر فصل‌بندی، عناوین، شیوه گردآوری، کمیت و توضیحات پیرامونی احادیث در چارچوب فکری اندیشه اخباری‌گری صورت پذیرفته است و این موضوع زمینه حیات اندیشه اخباری‌گری در میان کتاب‌های حدیثی اخباریان را فراهم ساخته است.

ب) به خاطر محجوریت مکتب اصولیون، این آثار مورد بررسی انتقادی اندیشه اصولیون قرار نگرفت تا بن‌مایه‌های اندیشه اخباری‌گری در آنها اصلاح گردد.

پیش از ورود به بحث بررسی شواهد بازتولید اندیشه اخباری‌گری، ذکر چند نکته ضروری است: از آنجاکه اندیشه اخباری‌گری یک روش در استنباط احکام فقهی در حوزه‌های علمیه بوده است، بنابراین بازتولید این اندیشه بیشتر در بستر و محیط‌های دینی صورت گرفته است.

در بحث بازتولید نباید انتظار داشت که دقیقاً همان اندیشه اخباری‌گری قرن یازدهم و دوازدهم بازتولید شده باشد، بنابراین نمی‌توان میان این دو اندیشه (اخباری و نو اخباری) قائل به این‌همانی مطلق شد. بلکه در بحث بازتولید آن هم در عصر و فضایی که سالیان طولانی است اندیشه اصولی حاکم بوده، وجود رگه‌هایی از مشابهت کفایت می‌کند.

معیار ارزیابی شواهد

حدیث‌محوری: در میان تمام نگرش‌های اندیشه اخباری همه به نقش محوری و جایگاه اساسی احادیث معصومین علیهم‌السلام برای شناخت دین و احکام شرعی اعتقاد دارند، بدین‌گونه معیار اصلی در نظر آنان برای فهم و استنباط احکام، احادیث ائمه است.

مخالفت و تشکیک در خصوص عقل و مباحث عقلی: علاوه بر حدیث‌گرایی، مخالفت با استفاده از عقل در استنباط احکام دینی یکی دیگر از ویژگی‌هایی است که اندیشه اخباری‌گری بدان استوار است. حائز اهمیت است که از منظر این تحقیق هر فکر و اندیشه‌ای که مبتنی بر نص‌گرایی با تأکید بر احادیث، همراه با تشکیک و احتیاط در استفاده از عقل در استنباط احکام شرعی باشد، در ردیف نواخباریان قرار داد. بر این اساس میتوان ادله عمومی بر شکل‌گیری مجدد اندیشه اخباری‌گری در عصر حاضر را این‌گونه برشمرد.

یک. شواهد کلی بازتولید اندیشه اخباری‌گری

۱. گسترش رویکرد اخباری به قرآن کریم

همان‌گونه که بیان شد یکی از ویژگی‌های اخباریان عدم حجیت ظواهر قرآن بود و استدلال گردید که

این جریان ضمن آنکه آیات قرآن را شامل محکمت و متشابهات می‌دانستند حجیت ظواهر قرآن را انکار می‌کردند. بر این اساس در سال‌های اخیر رویکرد اخباری در حوزه تفسیر، نفوذ گسترده‌ای پیدا کرد؛ بدین معنا که برخی تفسیر قرآن را فقط از طریق روایات تفسیری معصومین علیهم‌السلام حجت دانسته و تفسیرهای اجتهادی را در برابر آن قرار می‌دهند. در این رویکرد مردم را مستقیماً به مجموعه تفاسیر روایی ارجاع می‌دهند و از آنها خواسته می‌شود فهم تفسیری خود را مستقیماً از روایات به دست آورند.

گسترش، چاپ و نشر کتب تفسیر روایی، وجود ترجمه‌های فراوانی که در دسترس مردم قرار داده شده و همچنین تدوین کتاب‌های متعدد در جهت موضوع‌بندی روایات تفسیری در سال‌های اخیر شواهدی هستند که گسترش این رویکرد را اثبات می‌کنند. البته برخی از این کتب از منابع اصلی اندیشه تشیع محسوب می‌گردند اما رجوع بدون تعقل حاکی از نوعی انحطاط عقلانیت و جزم‌اندیشی در این حوزه به‌شمار می‌رود. در این میان هجمه‌های بسیار زیادی نیز بر علیه تفسیرهای اجتهادی و علمی صورت گرفته بدین معنا که این‌گونه تفاسیر را در مقابل تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام قرار داده. این نگاه اخباری به قرآن موجب شده تا عده‌ای با تکیه بر برخی روایات به تأسیس قواعد ذوقی دست زده و آیاتی از قرآن کریم را بدون هیچ‌گونه مستمسک روایی بر اهل بیت علیهم‌السلام یا دشمنان ایشان تطبیق نمایند.

از سوی دیگر دو قرن تسلط اندیشه اخباری بر حوزه‌های علمیه، سبب شده قرآن کریم از جایگاه علمی کمرنگ‌تری در حوزه‌های علمیه برخوردار باشد. علامه طباطبایی نیز در تفسیر المیزان به این امر هشدار داده است:

علوم حوزوی به‌گونه‌ای تنظیم شده‌اند که به هیچ وجه به قرآن احتیاج ندارند! در حقیقت برای قرآن چیزی جز تلاوت کردنش برای کسب ثواب و یا بازوبندی فرزندان که از حوادث روزگار حفظشان کند، چیزی نمانده است! (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۵ / ۴۵۰)

همچنین، قلت استناد به آیات قرآن در پژوهش‌های کنونی نیز می‌تواند متأثر از روحیه اخباری‌گری باشد. در فقه متقدم شیعی، ارجاع به قرآن بسیار بیشتر از زمان کنونی بوده است. فقهای شیعه هم در مقام برهان و استدلال و هم در مقام مناظره و احتجاج فقهی فراوان به قرآن استناد می‌کردند، برای مثال، در کتاب حج (الخلاف) شیخ طوسی، در ۴۵ مسئله فقهی به آیات قرآنی استناد می‌کند. اما در فقه متأخر شیعه، ارجاعات به قرآن کاهش یافته که عوامل گوناگون در این تغییر نقش داشته‌اند، اما در این میان، سهم مکتب اخباری تردیدناپذیر است. فقیه شیعی، گونه‌ای دلواپسی را در مراجعه مستقیم به قرآن در استنباطات فقهی احساس می‌کند و این احساسات درونی، او را به سوی فاصله گرفتن از قرآن، به‌عنوان منبع استنباط فقهی سوق می‌دهد. (صالحی، ۱۳۸۶: ۳۵)

۲. گسترش ظاهرگرایی و سطحی‌نگری

توجه و اهتمام به ظواهر دین و تأکید محض بر انجام ظاهری شعائر دینی بدون معرفت و تعمق در آموزه‌های دین یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ظاهرگرایی و سطحی‌نگری است. متأسفانه امروزه در جامعه مذهبی به‌ویژه در مراسم‌های سوگواری امام حسین علیه السلام نشانه‌های مختلفی از گسترش ظاهرگرایی و سطحی‌نگری وجود دارد.

امروزه بعد تراژیک و حزن‌انگیز واقعه کربلا مورد توجه و تأکید بیشتر قرار گرفته است. در این رویکرد وقایع تاریخ عاشورا از آغاز تا فرجام به‌ویژه حوادث روز عاشورا با صبغه تراژیک و حزن‌انگیز به‌گونه‌ای روایت می‌شود که عواطف و احساسات خواننده و شنونده تحریک گردد. در این رویکرد، گریه بر امام حسین علیه السلام موضوعیت دارد به بیانی دیگر آنچه طریقت دارد موضوعیت یافته است.^۱

یکی دیگر از مصادیق سطحی‌نگری در برگزاری مراسم سوگواری، پیشنهادات مختلفی است که در خصوص افزایش روزهای عزا در پرتو تأسیس دهه‌های مختلف مانند دهه صادقیه، باقریه، عاشورای شمسی و ... به گوش می‌رسد. براساس این تفکر از مردم خواسته می‌شود تا در این ایام ضمن برپایی کاروان سینه‌زنی و زنجیرزنی و سیاه‌پوش کردن اماکن عمومی و راه‌اندازی کاروان‌های عزاداری، از هرگونه خوشحالی پرهیز کنند. این رویکرد با پیشنهاد ایجاد دهه محسنیه و برگزاری مراسم سوگواری به اوج خود می‌رسد که نفس پیشنهاد این‌گونه مراسم‌ها، حاکی از نشان دادن جنبه تراژدیک قضیه عزاداری بر اهل بیت علیهم السلام است نه نگاه معرفتی به واقعه. همچنان‌که تأکید بر بعد احساسی قیام عاشورا، افزایش روزهای عزاداری با عدم توجه به اهداف اصلی این واقعه، یکی از موارد ظاهرگرایی در این امر است.

در خصوص ارتباط ظاهرگرایی و سطحی‌نگری با اندیشه اخباری می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) برخی از انحرافات که در عزاداری امام حسین علیه السلام مشاهده می‌شود محصول اندیشه اخباری‌گری است نه اینکه اخباریان نیز این‌گونه عزاداری می‌کرده‌اند. به‌عبارت‌دیگر مکانیسم تفکر اخباری در ظاهرگرایی در استفاده از احادیث و عدم استفاده از عقل و اجتهاد در فهم متون دینی، پتانسیل لازم را برای انحراف از عمق دین و انحراف آن به موارد سطحی و ظاهری به وجود می‌آورد.

توضیح آنکه مکانیزم «اجتهاد»، امکان فهم امور متغیر جامعه را براساس اصول ثابت دین فراهم می‌سازد و بر همین اساس است که گفتمان اجتهاد در تمامی دوره‌های تاریخی علاوه‌بر قابلیت پاسخ‌گویی به امور مختلف، مانع به انحراف کشیده شدن دین شده است. گفتمان اجتهاد با استفاده از

۱. البته لازم به ذکر است که نفس گریه کردن بر امام حسین و اهل بیت علیهم السلام در روایات بسیار سفارش شده و دارای اجر بسیار عظیمی است که نویسنده منکر آن نیست اما مسئله نویسنده، تک بعدی نشان دادن این واقعه و تنها تراژیک دانستن این جریان برای مخاطب است که در این قرائت به اصل و هدف حرکت امام حسین علیه السلام توجهی نمی‌گردد.

تمامی ابزارهای ممکن برای شناخت دین، به فهمی عمیق و اصیل از دین می‌رسد و براساس این فهم اصیل، به بررسی امور متغیر جامعه می‌پردازد.

باتوجه به اینکه اندیشه اخباری‌گری فاقد قوه اجتهاد است، در شرایط متغیر دوره‌های تاریخی، امکان به دست آوردن عمق ثابت دین را ندارد و خودبه‌خود و تحت تأثیر متغیرهای جامعه به فهمی کج از اصول ثابت دین مبتلا می‌شوند. بنابراین مکانیسم اخباری‌گری در فهم دین موجب بروز تبعات مختلفی شده است که یکی از این تبعات امروزه در مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام مشاهده می‌گردد.

مکانیسم اندیشه اخباری‌گری بر استفاده از ظاهر احادیث، عدم تقسیم‌بندی احادیث و همچنین وجود احادیث فراوان در خصوص اهمیت و ثواب عزاداری بر امام حسین علیه السلام زمینه لازم را برای فهم ظاهری از این احادیث بوجود می‌آورد؛ از سوی دیگر عدم استفاده از عقل و اجتهاد موجب عدم رهیافت به عمق و باطن این احادیث می‌شود. بنابراین محصول برداشت براساس این مکانیسم، صرف گریستن و برگزاری مجالس عزا و عدم تعمق در اصول قیام عاشورا خواهد بود.

این نوع برداشت از قیام عاشورا موجب ظاهرگرایی در برگزاری مراسم عزاداری خواهد شد چراکه آنچه در عزاداری‌ها مهم است صرف گریه و حتی تباکی است. این مبنای فکری زمینه لازم را برای انحراف در عزاداری‌ها ایجاد می‌کند که نتیجه آن امروزه کاملاً نمایان است. اتفاقاتی که امروزه در عزاداری‌ها روی می‌دهد را می‌توان از تبعات اندیشه اخباری‌گری یعنی «ظاهرگرایی» برشمرد.^۱

ب) حدیث‌گرایی اخباریان موجب شد کتاب‌های حدیثی مهمی در این دوره تألیف گردد که یکی از علل گسترش این قرائت (احساسی) در دوران حکومت صفویه جمع‌آوری و ترویج روایات فراوان درباره فضیلت و ثواب عزاداری و گریه و گریاندن و حتی تباکی در سوگ امام حسین علیه السلام است. این جریان مناسک و شعائر شیعیان را از درون روایات و احادیث جمع‌آوری نمودند و به جامعه ارائه کردند و بر این اعتقاد بودند که این مناسک نیازی به تأمل و خردورزی ندارد، از آن حیث که مؤمن معتقد، باید به آن چیزی که از ائمه رسیده است عمل کند. (آبادیان، ۱۳۸۹: ۱۴۵)

به نظر می‌رسد با گسترش و اطلاق چنین روایاتی یکی از عوامل مهمی که در این دوره سبب ترویج ظاهرگرایی با تأکید بر بعد احساسی قیام عاشورا در سوگواری شد این بوده که بسیاری پنداشته‌اند صرف گریه و عزاداری برای امام حسین علیه السلام سبب بخشش گناهان می‌شود و به همین روی بعد احساسی گسترش فزاینده‌ای یافت. از سوی دیگر به دلیل تسلط اندیشه اخباری در دوره صفویه، علما و روحانیون

۱. البته لازم به ذکر است انحراف در عزاداری‌های امروزی می‌تواند علل مختلف دیگری نیز داشته باشد و منظور این نیست که تمامی علل انحراف در عزاداری‌ها، محصول فکر اخباری‌گری است.

عصر صفوی هم با بدعت‌ها و نوآوری‌هایی که آن زمان در امر عزاداری شیعیان رخ می‌نموده موافق بوده یا لااقل در این مقام سکوت می‌کرده‌اند. (ضیایی، ۱۳۸۱: ۱۸)

از سوی دیگر کنار نهادن عقل در فهم دین تبعات مختلفی را به همراه آورد. یکی از این تبعات فقدان تقسیم‌بندی علوم در اندیشه اخباریان است. فلاسفه با استفاده از عقل به تقسیم‌بندی در علوم رسیده‌اند که این تقسیم‌بندی دو کارکرد ویژه دارد:

۱. تمایز علوم از یکدیگر؛

۲. تقدم و تأخر: مثلاً حکمت نظری مقدم بر حکمت عملی است.

اخباریان به سبب مخالفت با عقل، فاقد این گونه تقسیم‌بندی در علوم هستند و خودبه‌خود در استفاده و جمع‌آوری احادیث به کمیت‌گرایی منجر می‌شوند. این کمیت‌گرایی زمینه لازم برای ظاهرگرایی در فهم دین و شعائر دینی را فراهم آورد. وجود احادیث فراوانی در خصوص عزاداری و گریستن بر امام حسین علیه السلام نمونه بارز فقدان تقسیم‌بندی علوم در جمع‌آوری احادیث و مبتلا شدن به کمیت‌گرایی است.

۳. وجود علمای اصولی با اندیشه اخباری

یکی از روش‌هایی که اخباریان توسط آن به حیات خود ادامه دادند پوشیدن لباس اجتهاد بود. (لکزایی، ۱۳۸۲: ۶۰) در جامعه حوزوی برخی از فقیهان علی‌رغم دارا بودن گرایش اصولی، مشی اخباری دارند. گسترش فتوایی که سراسر احتیاط‌آمیز و با عدم توجه به زمان و مکان صادر می‌شود دلیل این مدعاست.

مهم‌ترین ویژگی‌های این دسته از مجتهدان

۱. تکیه بر روایات و منقولات: در دیدگاه آنان سنت به‌عنوان تنها منبع بر سایر ادله دیگر برتری دارد و تمامی مسائلی که آدمیان تا روز قیامت به آنها نیاز دارند نزد اهل بیت علیهم السلام مخزون و مکتوب است. بنابراین برخی از علما در برابر مسائل جدید رویکردی کاملاً محتاط داشته و اغلب با استناد به روایات، به صدور فتوا می‌پردازند و اگر روایتی یافت نشد قائل به احتیاط و توقف می‌شوند.

۲. رویکردی تشکیک‌آمیز به عقل: عقل از نظر این دسته، تنها منبع مجمل در کنار سایر منابع یعنی کتاب و سنت و اجماع است و نمی‌توند منبعی برای کشف احکام شرعی به حساب آید و باید براساس همان روایات تعریف و هویت یابد که هیچ‌سختی با عقلانیت به مفهوم امروزی آن ندارد (فراتی، ۱۳۸۹: ۲۷۵) رجوع آنها به روایات و لزوم عمل به مفاد آنها سبب می‌شود تا این جریان به عقلانیت و کاوش‌های عقلی که ظرفیت این منابع را برای انطباق با نیازهای جدید گسترش می‌دهند، رویکرد تشکیک‌آمیز داشته باشد.

اعتقاد به عدم تشکیل حکومت با استناد بر احادیث یا حداقل بی‌تفاوتی نسبت به حکومت، تحریم و یا

توقف در مسائل جدید مانند تغییر جنسیت، شبیه‌سازی، صدور فتاوی‌ای نظیر حرمت کنترل جمعیت (لک‌زایی، ۱۳۸۲: ۶۱) عدم توجه به شرایط زمان و مکان در احکام مستحدثه مانند حرمت شطرنج، مجسمه‌سازی را می‌توان از نشانه‌ها و شواهد این دسته از مجتهدان اخباری دانست.

۴. وجود تفکر حجتیه‌ای

علی‌رغم وجود انجمن حجتیه به شکل سازمان یافته آن، تفکری در میان متدینین و جامعه وجود دارد که در راستا و هم افق با یکدیگر هستند؛ در واقع اگر «نهی اقامه حکومت دینی در سال‌های پیش از ظهور» را مهم‌ترین شاخصه تفکر حجتیه‌ای بدانیم، آنگاه می‌توان بر این نکته تأکید کرد که این تفکر به تقریرهای مختلف در جامعه تجلی یافته است. این نگرش کاملاً در مقابل گفتمان انقلاب اسلامی، با استفاده از احادیث مختلف، قعود را بر قیام جهت اقامه احکام الهی و حدود الهی ترجیح می‌دهند و خود را از مشارکت در شکل‌دهی به حکومتی تاریخ‌ساز بر حذر می‌دارد. از نظر آنان تاریخ بدون اینکه دستخوش اراده انسانی قرار گیرد سرنوشتی محتوم دارد. این جریان بر این باور است که جهان بیرون به دلیل اینکه در ذیل ولایت معصوم قرار ندارد، جهانی مملو از خطا و معصیت است و تا حضرت حجت باز نگردد اصلاح نخواهد شد. از این رو جامعه‌ای که در سال‌های پیش از ظهور برپا گردد نه تنها مطلوبیت ندارد، بلکه زمانه ظهور را به تأخیر می‌اندازد و بر مؤمنان در حیران‌آخ‌الزمان می‌افزاید. چنین تفکری نمایی کلی از چیزی بود که معمولاً به نام تفکر حجتیه‌ای خوانده می‌شود. (فراتی، ۱۳۹۵: ۱۹۶)

باتوجه به آنچه بیان گردید؛ نص‌گرایی و استناد به احادیث در مواجهه با مسائل اجتماعی و سیاسی، مخصوصاً در استفاده از برخی احادیث مبنی بر طاغوت بودن قیام‌های قبل از ظهور و گسترش این افکار در حوزه‌های علمیه موجب می‌شود این تفکر در ردیف اندیشه اخباری‌گری قرار گیرد.

۵. گسترش استناد به خواب و رؤیا

یکی از نتایج کنار نهادن عقل در فهم و استنباط دین، استناد به خواب و رؤیا برای اثبات مدعاست. در خصوص حجیت خواب و رؤیا تنها «رویای صادق» از نوعی حجیت فردی برخوردار است اما متأسفانه در جامعه امروزی بحث رؤیا و خواب از بازار بسیار گرمی برخوردار است و استفاده از این روش در مراسم‌های سخنرانی و مخصوصاً عزداری‌ها به شدت رو به گسترش بوده و استفاده از این روش جایگاه ثابتی را پیدا کرده است.

جالب است که استرآبادی نیز در کتاب *فوائد المدنیة* نیز به وفور برای اثبات روش خود، خواب‌هایی را در تأیید خود بیان می‌کند که یا دیده و یا آنکه دیگران برای او دیده‌اند. به‌عنوان مثال کسی برای او

خواب دیده است که امام هشتم علیه السلام بیست سال قبل از تألیف کتاب *الفوائد المدنیة*، به خط خود جهت او ورقه‌ای فرستاده‌اند و سفارش به حفظ آن نموده‌اند و گفته‌اند چیزی دیگری باقی مانده است که بعد از آنکه به مکه آمد، در مکه به او خواهیم گفت. (ر.ک: استرآبادی، ۱۴۲۴: ۵۳۵ - ۲۸۰)

۶. تقابل با علوم عقلی در قالب مبارزه با فلسفه

اگرچه مخالفت با فلسفه در قالب جریان‌های مختلف فکری مانند مکتب تفکیک و انجمن حجتیه و تجددستیزان ظهور یافته است، اما طیفی در فضای جامعه مذهبی، در عین عدم تعلق و وابستگی به جریان‌های فوق با روش‌های مختلف به مخالفت با فلسفه می‌پردازند. علت اصلی مخالفت با فلسفه در این رویکرد، وجود احادیث مختلف بر نکوهش عقل و یا احادیثی است که نشانه‌های آخرالزمان را گرایش علما به فلسفه و یا عرفان عنوان کرده است. محجوریت فلسفه و تشکیک به استدلال‌های عقلی در استنباط احکام شرعی را می‌توان از نمونه‌های بازتولید اندیشه اخباری‌گری در دوران انقلاب اسلامی قلمداد نمود.

لازم به ذکر است شواهد دیگری نیز دال بر بازتولید اندیشه اخباری‌گری وجود دارد، مانند گسترش برگزاری مراسم لعن خلفا که از سوی برخی از روحانیون (وابسته به استعمار) ترویج می‌گردد، گسترش و نشر کتاب‌هایی با استناد به روایات ضعیف و کتاب‌هایی که به اختلاف تشیع و اهل سنت دامن می‌زند که بررسی آنها خارج از مجال این تحقیق است.

دو. بازتولید اندیشه اخباری‌گری در قالب جریان‌های فکری

علاوه بر شواهد کلی بر بازتولید اندیشه اخباری، وجود جریان‌های متأثر از این تفکر، بازتولید را به صورت سازمان‌یافته وارد مرحله جدیدی کرده است که برای نمونه می‌توان به دو جریان عمده اشاره کرد:

۱. مکتب تفکیک

این جریان، مکتب فکری رفتاری است که مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی در اواسط قرن ۱۴ هجری در مشهد با عنوان «مکتب معارف اهل بیت» تأسیس کرد و پس از آن پیروان وی در مشهد، تهران، قم و ... این مکتب را استمرار دادند. (وکیلی، ۱۳۹۳: ۱۱) عنوان تفکیک نخستین بار در سال ۱۳۷۱ توسط استاد حکیمی به کار برده شد.

اندیشمندان این حوزه، مکتب تفکیک را در دو نسل مورد بررسی قرار داده‌اند؛ در این نوع تقسیم‌بندی نسل اول میرزا مهدی اصفهانی و شاگردان او و نسل دوم را استاد حکیمی و سیدان تشکیل می‌دهند. مهم‌ترین تفاوت این دو نسل، به رسمیت شناختن فلسفه در نسل دوم است. (همان: ۵۷) البته همچنان نقشی

در فهم دین ندارد و به اعتقاد آنان سه روش «وحی»، «عقل» و «کشف»، برای فهم مسائل دینی باید از خود دین سود جست، دین راه خاصی دارد که از راه عقل و کشف جدا است. (حکیمی، ۱۳۷۳: ۴۴) ازجمله دلایل و شواهد اندیشه اخباری‌گری در قالب مکتب تفکیک را می‌توان این‌گونه برشمرد:

الف) رویکرد اخباری به قرآن کریم: میرزای اصفهانی و برخی از شاگردان و برخلاف غالب دانشمندان شیعه معتقدند قرآن کریم تحریف گشته و قسمت‌هایی از آن حذف شده است و حتی میرزا این نظر را مورد اجماع دانشمندان شیعه می‌شمرد. (اصفهانی، ۱۳۶۴: ۹۳) وی به همین دلیل مدعی است آنچه از قرآن فهمیده می‌شود قابل اعتماد نیست زیرا شاید معنای آیه چیز دیگری بوده و با حذف واژه یا واژگانی از آن معنای جمله کاملاً تغییر کرده است؛ حتی اگر قرآن تحریف نشده باشد باز هم فهم ما از آن بی‌اعتبار است زیرا زبان قرآن زبانی رمزی است و مخاطب قرآن فقط اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشند. دلالت قرآن در صورتی معتبر است که روایتی آن را تأیید کند و درحقیقت معیار اعتبار قرآن روایات است (همان: ۱۲۹)

ب) تلقی خاص از عقل: نسل اول «مکتب تفکیک» عقل فلسفی را نه در مرتبه قبل از شریعت نه بعد از آن مصون از خطا و قابل اعتماد نمی‌دانند. ایشان عقل فطری را جایگزین عقل فلسفی کردند و آن را نوری می‌دانند که از جانب خداوند به نفوس آدمیان افاضه شده و از هرگونه خطا معصوم است. (همان: ۲۴) در تلقی این جریان علم و عقل یکی است و حیثیت آن متفاوت است (ملکی میانجی، ۱۳۷۳: ۴۵) خداوند این عقل را بنابر مراتب افراد به ایشان واگذار می‌کند و مستقل در برداشت‌های خود نیست حتی در مستقلات عقلیه، آسان‌ترین راه مراجعه به فرمایش‌های پیامبران است. (اصفهانی، ۱۳۶۴: ۱۷)

بنابراین نسل اول تفکیک نسبت تباین میان فلسفه و اسلام برقرار می‌کند. در تقریرات میرزای اصفهانی تصریح شده است: «فلاسفه اسلام منهدم‌کننده اسلام‌اند و خادمین آن نیستند» (همان: ۲۵) او دستاوردهای بشری را با اسلام متناقض می‌بیند و بر همین اساس، پرهیز از علوم اصطلاحی و علوم بشری را که از آن تعبیر به موهومات علمیه اصطلاحیه می‌کند شرط شناخت حقیقی می‌داند. (همان: ۱۲۷)

آقای حکیمی نیز راه عقل را از راه دین جدا می‌کند. به اعتقاد ایشان، سه راه معرفتی و شناختی «وحی»، «عقل» و «کشف» وجود دارد که نباید این سه راه را با یکدیگر خلط کرد. برای مثال، او تلاش فیلسوفانی چون ابن‌رشد که می‌کوشیدند دین را با عقل تفسیر کنند و ثابت نمایند که هرچه در شریعت آمده است عین عقل است و با عقل نیز می‌توان به همان رسید خطا می‌داند (حکیمی، ۱۳۸۰: ۳۹) وی همچنین در کتاب *الحیاء*، نتایج فلسفه را به تالابی تشبیه می‌کند:

پاسخ‌های فراگیر همه‌پرسش‌های بشریتی که بر پشت کره زمین زندگی می‌کند، در نزد اینان (فلاسفه) وجود نداشته است؛ به همین جهت نتوانسته‌اند جوابگوی همه نیازهای

بنی نوع بشر باشند چون در آثار و تعلیمات ایشان نیک بیندیشیم خواهیم دید که بشریت و دردها و نیازها و پرسش‌های آن همچون دریایی است و آنچه اینان آورده‌اند تالابی بیش نیست که غالباً چندان عمقی ندارد و جریان آن ناهماهنگ است و برآمخته. (حکیمی، ۱۳۸۴: ۴۳)

آقای سیدان نیز عقل را به «بین» و «غیر بین» تقسیم کرده و اعتقاد به بی‌ارزشی عقل غیر بین به‌خاطر وجود اختلاف در آن دارند ایشان فلسفه را از قسم عقل غیر بین می‌دانند. (وکیلی، ۱۴۲۹: ۳۳۱ - ۲۷۷)

بنابراین در دیدگاه نسل اول مکتب تفکیک عقل بشری به حاشیه رفته و در استنباط احکام، اعتباری ندارد. این رویکرد دقیقاً شبیه اندیشه اخباری‌گری است. در نسل دوم نیز اگرچه فلسفه و مباحث عقلانی به رسمیت شناخته شده اما همچنان نگرش عقلانی به تحلیل رفته و جایگاهی در فهم دینی ندارد؛ اگرچه نمی‌توان مخالفت با فلسفه را به معنای مخالفت با عقل دانست اما حداقل رویکردی تشکیک‌آمیز نسبت به مباحث و استدلال‌های عقلی دارد. از این‌رو اگرچه مکتب تفکیک حجیت عقل را انکار نمی‌کند و از عقل به‌عنوان حجت الهی یاد می‌کند اما به سبب اینکه عقل را از دسترس بشر خارج کرده و تلقی خاصی از آن داشته و آن را امری قدسی اعلام می‌کند، عملاً در مسیر اخباری‌گری قرار می‌گیرد.

ج) جایگاه روایات در نزد مکتب تفکیک: نص‌گرایی تفکیکیان با محوریت احادیث یکی دیگر از شواهدی است که آنها را در ردیف اندیشه اخباری قرار می‌دهد. بیشتر تفکیکیان معتقدند ظن و گمان در عقاید کافی نیست و باید به دنبال یقین رفت، در عین حال از خواندن چند روایت فوراً یقین نموده و آن را به‌عنوان یکی از عقاید قطعی شیعه معرفی می‌کنند چنان که در آثار ایشان بحث‌های عمیق و تحلیلی به‌جز برخی از آثار میرزای اصفهانی به چشم نمی‌خورد، در رویارویی با آثار عقایدی تفکیکیان به‌وفور از احادیث استفاده شده است. برای مثال در کتاب *تنبيهات حول المبدأ و المعاد* با آنکه ۲۶۵ صفحه بیش نیست، چهار صد و بیست روایت به‌کار گرفته شده است.

بنابراین مکتب معارف و یا مکتب تفکیک، مشی اخباری دارد و این امر ارتباطی با پذیرش مبانی اصولی از سوی آنان در مباحث فقهی ندارد. درحقیقت مهم‌ترین دستاوردهای جریان اخباری‌گری، یعنی نفی دانش‌های کلام و فلسفه و نوع تعامل به احادیث بدون در نظر گرفتن مبانی اصولی در نقد احادیث و عدم پایبندی به مبانی اصولی در این زمینه (نص‌گرایی) و دیدگاه آنان نسبت به عقل، که همگی ویژگی‌های بارز جریان اخباری بوده است، در جریان مکتب معارف بازسازی شده است.

۲. انجمن حجتیه خیریه مهدویه

انجمن حجتیه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ توسط شیخ محمود حلبی تولایی (۱۳۷۶ - ۱۲۷۹ ش)

یکی از شاگردان میرزا مهدی اصفهانی جهت مبارزه با بهائیت تأسیس شد. لازم به ذکر است باتوجه به اینکه تقیه یکی از اصول اساسی انجمن حجتیه بوده و نیز به دلیل خصلت فعالیت نامحسوس آنان؛ به ناچار برای تبیین این جریان فکری باید به منابعی که تحلیلی صحیح بیان کرده است رجوع نمود. دلایل بازتولید اندیشه اخباری در قالب انجمن حجتیه به شرح ذیل است:

الف) استناد به احادیث در خصوص اصول و مبانی فکری (حدیث‌محوری)

انجمن حجتیه، کلیه اصول فکری خویش را بر احادیث صادره از معصومین علیهم‌السلام بنا نهاده است که این امر نشان‌دهنده جایگاه ویژه معصومین علیهم‌السلام و احادیث آنان در نزد انجمنی‌ها است. در رویکرد انجمن حجتیه، همانند اخباریان، احادیث معصومین علیهم‌السلام، جایگاهی بی‌بدیل دارد. انجمنی‌ها تمامی اعتقادات خویش را براساس استناد به احادیث و محبت به اهل بیت علیهم‌السلام استوار کرده‌اند. این نوع نگرش به روایات، آنها را در مسیر بازتولید اندیشه اخباری قرار داده است. به برخی از آنها اشاره می‌شود:

یک. فراگیری ظلم و فساد

یکی از مهم‌ترین اصول فکری که تمامی اندیشه و اقدامات انجمن حجتیه بر آن استوار است، فراگیری ظلم و فساد است. انجمنی‌ها با استناد به روایات علائم ظهور معتقدند پیش از ظهور حضرت حجت برخی از گناهان زیاد می‌شود، فساد و تجاوز و انواع مفاسد اجتماعی و اخلاقی گسترش پیدا می‌کند و هر موقع فشارها از حد گذرد انفجار رخ می‌دهد و بحران کم‌کم اوج می‌گیرد و لحظه انقلاب حضرت مهدی علیه‌السلام نزدیک می‌شود. در این رابطه به روایاتی که یکی از علائم و شرایط ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام را فراگیری ظلم و ستم در تمام دنیا می‌دانند که در مضمون آن «کما ملئت ظلماً و جوراً» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۱ / ۷۵) آمده و یا احادیثی که فرج را در زمان حاکم شدن یأس و ناامیدی بر انسان‌ها می‌داند استناد می‌کنند.

دو. انتظار در انجمن

از دید انجمن، اعتقاد به حضرت حجت خلاصه شده در محبت و ولایت «دوستی» امام عصر و به تبع آن صرفاً بعد عبادی و نمازخواندن برای حضرت کفایت می‌کند (نطق‌های آقای حلبی گواه آن است) و به دیگر جنبه‌ها و فرازهای اعتقادی حضرت ولیعصر اگر التفاتی بیابند با دیدی سطحی و فرعی می‌نگرند و به‌هیچ‌وجه به وجوه و ابعاد دیگر موضوع مهدویت نمی‌پردازند. (علیانسب، ۱۳۸۵: ۷۳)

سه. منوط بودن تشکیل حکومت به حضور امام معصوم علیه‌السلام

انجمنی‌ها معتقدند تشکیل حکومت دینی از وظایف امام معصوم است، بنابراین با استناد به احادیثی که دلالت بر جایگاه امام برای از بین بردن فساد و ایجاد حکومت جهانی دارند معتقدند چنین وظیفه‌ای به

نائبان عام او منتقل نشده است، از این رو در زمان غیبت نمی‌توان حکومت تشکیل داد و از وظایف شیعه قیام به این امر نیست. مرحوم حلبی در این باره می‌گوید:

اول شما یک افسر یک پیشوا و رهبر معصوم پیدا کنید یک رهبری که بتواند اداره اجتماع کند روی نقطه عصمت نه عدالت. عدالت کافی نیست اول او را پیدا کنید آن وقت برو جانت را بده آن وقت من هم واجب است منبر را ول کنم ... برم جلو. (باقی، ۱۳۶۲: ۳۱۶)

چهار. طاغوتی بودن قیام‌های قبل از ظهور حضرت حجت^ع

انجمنی‌ها برای توجیه عدم مبارزه و همچنین عدم تشکیل حکومت در زمان غیبت امام زمان^ع به روایت‌هایی استناد می‌کنند که این روایات هر قیامی قبل از انقلاب جهانی حضرت مهدی^ع را باطل و محکوم به شکست دانسته و رهبر آن را طاغوت و منحرف معرفی کرده و از پیروان ائمه خواسته است که با آن قیام‌ها همراهی نکنند و در خانه‌های خود بنشینند تا نشانه‌های ظهور مانند خروج سفیانی نمایان شود. (شیروودی، ۱۳۹۵: ۴۷)

ب) جایگاه قرآن و حجیت آن در نگرش انجمن حجتیه

یکی دیگر از اصول فکری اخباریان، عدم حجیت ظواهر قرآن برای عموم مردم است که بر این اساس آنها اهل بیت^ع را مخاطب قرآن می‌دانستند. در خصوص حجیت یا عدم حجیت ظواهر قرآن در اندیشه انجمنی‌ها سند و یا مدرک معتبری در دست نیست اما با توجه به استنادات مکرر به احادیث امامان^ع در تبیین اصول فکری، می‌توان اذعان کرد انجمنی‌ها نیز ائمه^ع را مخاطبان خاص قرآن دانسته و به عدم حجیت ظواهر آن معتقدند اگرچه برخی از مؤلفان نیز به این مطلب اشاره کرده‌اند:

دیدگاه انجمن درباره فهم قرآن بدین ترتیب است که آنها حقانیت قرآن را از طریق ائمه معصومین^ع می‌دانند بدین معنی که آنها معتقدند که ما راهی برای فهم قرآن نداریم و باید فقط از روایات ذیل آیات برای فهم آنها استفاده کنیم. (گروه مؤلفان، ۱۳۹۳: ۲۳)

ج) مخالفت با فلسفه، عرفان و عقل

یکی دیگر از اصول فکری اخباریان، عدم حجیت عقل در استنباط احکام بود. در باب جایگاه عقل در هندسه معرفتی تفکر انجمن، باید گفت که اکثر افراد وابسته به این تفکر، از نظر معرفتی جایگاهی برای عقل قائل نیستند و معتقدند که عقل، راهی به سوی شناخت حقیقت ندارد. در عمل، از نظر ایشان عقل منبعی از منابع چهارگانه دین اسلام به‌شمار نمی‌آید و جایگاه مستقلی برای آن قائل نیستند. البته این جریان عقل را در حد عقل ابزاری قبول دارند و سعی می‌کنند که به وسیله آن، زندگی راحت‌تری را برای خودشان و اطرافیان‌شان فراهم سازند. اینها غالباً در استدلال‌هایشان بیشتر از دلایل نقلی استفاده می‌کنند

تا دلایل عقلی. این مطلب مؤیدی بر دیدگاه آن‌ها در باب عقل است. در دیدگاه حجتیه‌ای‌ها عقل به معنای فلسفی از ابزار معرفت و منابع انجمن محسوب نمی‌شود. شیخ محمود حلبی می‌کوشد از عقل اصطلاحی فاصله بگیرد و روش فلسفی را برای استفاده از عقل کنار بگذارد. ایشان در این باره می‌گوید:

اساس شریعت مبتنی بر معرفت فطری بوده و معرفت اکتسابی در آن راه ندارد پس کسی که بر لزوم معرفت اکتسابی برهان آورد درحقیقت دلیلی بر ابطال و انهدام اسلام آورده است. (شیرودی، ۱۳۹۵: ۲۱)

با تأمل در دیدگاه معرفت‌شناسی شیخ محمود حلبی به منزله مغز متفکر و رئیس انجمن، روشن می‌شود که وی هر مسئله و موضوعی را که به هدف انزوای فلسفه و یافته‌های عقلانی پی‌ریزی شود مطلوب می‌خواند. بر این اساس حجتیان دلایلی برای اثبات این تفکر عرضه می‌کردند و در مباحثات علمی خود به آن تمسک می‌جستند. حلبی منشأ فلسفه را در تعارض با احادیث عنوان می‌کند.

بازتولید انجمن حجتیه پس از بیانیه تعطیلی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال بیانات حضرت امام خمینی که به نوعی انجمن حجتیه را مخاطب خویش قرار داده بودند انجمنی‌ها کلیه فعالیت‌های خود را تعطیل کردند. اما چندی است به روش‌های مختلف مانند فعالیت در قالب مدارس و نظام آموزشی کشور و برگزاری مراسم‌ها و جلسات اعتقادی مختلف در حال فعالیت هستند. بنابراین همان‌گونه که امام خمینی پیش‌بینی کرده بودند: «تعطیل، غیر از انحلال است. اینکه فایده ندارد» (رحیمیان، ۱۳۷۱: ۲۲۹) انجمن حجتیه منحل نشده است و پس از بیانیه تعطیلی، دوباره فعالیت‌های خود را از سر گرفته‌اند که مهم‌ترین محصول فکری آنها نفی اقامه حکومت دینی براساس احادیث است.

بنابراین با تحلیل محتوای اصول فکری انجمن حجتیه می‌توان فعالیت این جریان را بازتولید اندیشه اخباری‌گری دانست. در نگرش این انجمن (همانند اخباریان) از یک سو معصومین علیهم‌السلام و احادیث آنها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است به طوری که زیربنای تمامی اصول فکری آنان را تشکیل می‌دهد و از سوی دیگر نگاهی تردیدآمیز آنها به عقل و علوم عقلی و تاخت‌وتازهای گسترده‌ای که علیه فلاسفه دارند انجمن را در شمار جریان‌های اخباری امروزی قرار می‌دهد.

نتیجه

اندیشه و گفتمان‌ها همواره روند پرفراز و نشیبی را در طول تاریخ طی نموده‌اند گاه گفتمان مسلط روزگار

خویش و گاهی در سایه سایر اندیشه‌ها و در انزوای کامل به حیات خویش ادامه می‌دهند اما باتوجه به این اصل که هیچ‌گاه اندیشه‌ای به‌طور کامل منحل نمی‌شود بلکه به‌صورت نامحسوس به حیات خویش ادامه می‌دهد و با مهیا شدن شرایط، مورد بازتولید قرار می‌گیرد تا به دوران حاکمیت خویش بازگردد؛ اندیشه اخباری‌گری نیز از این قاعده مستثنی نبوده است.

اگرچه این اندیشه در قرن ۱۳ ق توسط آیت‌الله وحید بهبهانی و شاگردانش رو به افول گذاشت اما امروزه در عصر انقلاب اسلامی و حاکمیت یافتن اندیشه اجتهاد اصولی، دست به بازتولید خود زده است. با بررسی شواهد و جریان‌های فکری، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اندیشه اخباری‌گری در دو سطح: کلی و مکتب فکری، در حال بازتولید است. بازتولید این اندیشه می‌تواند آثار و پیامدهای مختلفی را در سطح جامعه به دنبال داشته باشد. یکی از آثاری که دغدغه این پژوهش نیز بوده است پیامدهای سیاسی آن بر گفتمان انقلاب اسلامی است.

باتوجه به اینکه اساس گفتمان انقلاب اسلامی را اجتهاد اصولی تشکیل می‌دهد و نظام جمهوری اسلامی براساس آن تأسیس شده و همچنین اصل ولایت فقیه نیز از اجتهاد اصولی استنباط گردیده است، بنابراین بازتولید اندیشه اخباری‌گری که محصول آن، «فقه حداقلی» و مخالفت با عقل و اجتهاد اصولی است می‌تواند چالش جدی برای گفتمان انقلاب اسلامی محسوب گردد. با گسترش اندیشه اخباری‌گری، اصل ولایت فقیه به‌دلیل مخالفت آنان با اجتهاد و ولایت او، مورد تهدید قرار خواهد گرفت که به تبع آن، گفتمان انقلاب با چالش روبه‌رو خواهد شد.

ازآنجاکه این تحقیق صرفاً در خصوص بررسی شواهد بازتولید اندیشه اخباری‌گری بود، بنابراین پیشنهاد می‌گردد در امتداد این پژوهش، پژوهش‌های دیگری در خصوص پیامدهای فرهنگی، سیاسی و کلامی بازتولید اندیشه اخباری‌گری و همچنین میزان ارتباط جریان شیرازی‌ها با اندیشه اخباری‌گری مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

منابع و مأخذ

۱. آبادیان، حسین، ۱۳۸۹، «تحول مفاهیم شیعی در دوره قاجار»، *شيعه‌شناسی*، شماره ۲۹.
۲. استرآبادی، محمدامین، ۱۴۲۴ ق، *الفوائد الممدنیة*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۳. اسفندیاری، محمد، ۱۳۸۸، *خمود و جمود*، تهران، صحیفه خرد.
۴. اصفهانی، میرزا مهدی، *تقریرات*، ۱۳۶۴، کتابخانه آستان قدس رضوی، بی‌تا.
۵. باقی، عمادالدین، ۱۳۶۲، *در شناخت حزب قاندین زمان*، تهران، دانش اسلامی.
۶. بهشتی، ابراهیم، ۱۳۹۰، *اخباری‌گری*، تاریخ و عقاید، قم، نشر دار الحدیث.

۷. تاجیک، محمدرضا، ۱۳۸۳، *گفتمان و یادگفتمان و سیاست*، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۸. حرّ عاملی، محمد، ۱۴۰۳ ق، *الفوائد الطوسية*، قم، المطبعة العلمية.
۹. حسینی زاده، محمدعلی، ۱۳۸۶، *اسلام سیاسی در ایران*، قم، دانشگاه مفید.
۱۰. حکیمی، محمدرضا، ۱۳۷۳، *مکتب تفکیک*، تهران، مرکز بررسی های اسلامی.
۱۱. حکیمی، محمدرضا، ۱۳۸۰، «عقل خودبنیاد دینی» *همشهری ماه*، شماره ۹.
۱۲. حکیمی، محمدرضا، ۱۳۸۴، *الحیاء*، ترجمه احمد آرام، قم، دلیل ما.
۱۳. خلجی، عباس، ۱۳۸۶، *ناسازدهای نظری و ناکامی سیاسی گفتمان اصلاح طلبی*، تهران، دانشگاه تهران.
۱۴. سعید، بابی، ۱۳۷۹، *هراس بنیادین اروپامداری و ظهور اسلام گرایی*، ترجمه غلامرضا جمشیدی ها و موسی عنبری، تهران، دانشگاه تهران.
۱۵. شیروودی، مرتضی، ۱۳۹۵، *جریان شناسی فکری - فرهنگی انجمن خیریه حجّیه در ایران معاصر*، تهران، پژوهشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۶. صالحی، سید عباس، ۱۳۸۶، «امتداد اخباری گری» *مجله حوزه*، شماره ۱۴۴ - ۱۴۳، بهمن و اسفند.
۱۷. ضیایی، سید عبدالحمید، ۱۳۸۱، *نگرشی انتقادی تاریخی به ادبیات عاشورا*، تهران، نقد و فرهنگ.
۱۸. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۶۳، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات اسلامی.
۱۹. علیانسب، سید ضیاء الدین، ۱۳۸۵، *جریان شناسی انجمن حجّیه*، تهران، وثوق.
۲۰. فراتی، عبدالوهاب، ۱۳۸۹، *روحانیت و تجدد*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۱. فراتی، عبدالوهاب، ۱۳۹۵، *گونه شناسی فکری سیاسی حوزه علمیه قم*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۲. فیض کاشانی، محسن، ۱۳۶۵، *الوافی*، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام.
۲۳. گروه مؤلفان، ۱۳۹۳ *دیانت و عافیت*، تهران، مرکز آموزشی پژوهشی کوثر.
۲۴. لک زایی، نجف، ۱۳۸۲، «روش شناسی در فقه سیاسی علوم سیاسی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۲۱، قم، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، ص ۶۸ - ۵۱.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث.
۲۶. ملکی میانجی، محمدباقر، ۱۳۷۳، *توحید الامامیه*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۷. وکیلی، محمدحسن، ۱۳۹۳، *مکتب تفکیک تاریخ و نقد*، تهران، کانون اندیشه جوان.
۲۸. وکیلی، محمدحسن، ۱۴۲۹ ق، *صراط مستقیم*، تهران، محمدحسن و کیلی.
۲۹. یوسفیان، حسن، ۱۳۸۳، *عقل و وحی*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.